

بنزین سه نرخی شد

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در ابلاغیه‌ای به تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۴۰۴ مصوبه هیئت وزیران را در زمینه نرخ سه‌گانه بنزین وزارتخانه‌های نفت، کشور، اقتصاد و اطلاعات، شورای اطلاع‌رسانی دولت و سازمان برنامه و بودجه کشور ابلاغ کرد. بر این اساس، از نیمه دوم آذر، نرخ اول براساس سهمیه ماهانه ۱۵۰۰ تومان و نرخ دوم نیز ۳ هزار تومان خواهد بود. سوخت‌گیری خودروها با کارت سوخت اضطراری جایگاه‌ها با نرخ ۵۰۰۰ تومان محاسبه خواهد شد. اشخاص دارای بیش از یک خودرو، فقط برای یک خودرو سهمیه اول و دوم بنزین را خواهند داشت و مابقی به نرخ سوم تعیین می‌شود. این در حالی است که در نیمه آبان ماه محسن پاکژاد وزیر نفت گفته بود درباره قیمت بنزین هنوز تصمیمی به‌صورت نهایی و قطعی اعلام نشده و امکان آن وجود ندارد و فرایند بهینه مصرف کردن در اولویت اول است. او گفته بود: «بحث قیمت موضوعی است که بعدها باید در مورد آن تصمیم گرفته شود و طبیعتاً پیش از هر گونه اقدامی مردم را در جریان خواهیم گذاشت.» در مصوبه دولت آمده است، هیئت وزیران در جلسه ۱۴ آبان ماه ۱۴۰۴ به پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه وزارت نفت و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، لزوم استفاده حداکثری از کارت سوخت شخصی و جلوگیری از افزایش واردات بنزین تصویب کرد: میزان سهمیه بنزین نرخ اول و دوم خودروها به ترتیب ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰۰ ریال به استثنای موارد مندرج در بندهای ۳ و ۴ این تصویب‌نامه بدون تغییر باقی می‌ماند.

از نیمه دوم آذر ۱۴۰۴ نرخ سوخت‌گیری بنزین خودروها با استفاده از کارت اضطراری جایگاه‌ها معادل حداقل ۱۰ درصد قیمت خرید بنزین از پالایشگاه‌ها ۵۰۰۰۰ ریال در زمان ابلاغ این تصویب‌نامه تعیین می‌شود. **تبصره:** سوخت‌گیری بنزین با نرخ‌های اول و دوم صرفاً از طریق کارت سوخت شخصی و در سقف سهمیه‌های تخصیصی مجاز است.

از نیمه دوم آذرماه ۱۴۰۴ سهمیه نرخ‌های اول و دوم بنزین خودروهای با پلاک دولتی (جر آمبولانس)، خودروهای مناطق آزاد ویژه اقتصادی، خودروهای خارجی وارداتی و خودروهای نوشماره داخلی، حذف می‌شود و سهمیه ماهانه‌ای معادل مجموع سهمیه نرخ اول و دوم با نرخ موضوع بند ۲ این تصویب‌نامه به این خودروها تخصیص می‌یابد.

اشخاص حقیقی مالک خودروهای سواری شخصی بنزین‌سوز که دارای بیش از یک خودرو می‌باشند، تنها برای یکی از خودروهای مشمول، واحد سهمیه بنزین با نرخ‌های موضوع بند ۱ خواهند بود و سهمیه کارت سوخت شخصی سایر خودروهای تحت تملک آن‌ها مشمول حکم بند ۳ این تصویب‌نامه می‌باشد. وزارت نفت از طریق سامانه ذی‌ربط این امکان را فراهم می‌آورد تا مالک در بازه زمانی یک‌ماهه، خودروی مورد نظر خود را به‌عنوان خودروی سهمیه‌دار انتخاب نماید. در صورت عدم انتخاب خودرو توسط مالک در این مهلت، وزارت نفت مجاز است یک دستگاه از خودروهای مشمول وی را به‌عنوان خودروی سهمیه‌دار تعیین نماید.

به‌منظور متنوع‌سازی سد سوخت ناوگان حمل و نقل و کاهش انتشار آلاینده‌ها با استفاده از سوخت پاک سسی‌ان جی، وزارت نفت مکلف است در چارچوب مصوبه شورای اقتصاد نسبت به تبدیل خودروهای بنزینی به دوگانه‌سوز اقدام نماید. هم‌چنین میزان سهمیه با نرخ دوم خودروهای دوگانه‌سوز از ابتدای بهمن‌ماه ۱۴۰۴ به نصف کاهش می‌یابد.

وزارت کشور با همکاری وزارتخانه‌های اطلاعات و نفت و سازمان برنامه و بودجه کشور، مکلف است ظرف حداکثر سه‌ماه پس از ابلاغ این تصویب‌نامه، نسبت به ایجاد سامانه‌ای با هدف شناسایی، احراز و اعطای سهمیه اعتباری ریالی (معادل مابه‌التفاوت قیمت کارت اضطراری جایگاه و قیمت سهمیه نرخ دوم) به مالکان خودروهای فعال در سکوهای جایه‌جایی مسافر اقدام نماید.

فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با هماهنگی شورای امنیت کشور موظف است اطلاعات هویتی خودروها و مالکین آن‌ها را به‌صورت رخ خط در اختیار وزارت نفت قرار دهد.

به‌منظور تصمیم‌گیری در خصوص تعیین و تغییر میزان سهمیه لیتری و اعتباری بنزین نرخ‌های اول و دوم و دوره مجاز ذخیره سهمیه اول درکارت سوخت شخصی و تعیین نرخ بنزین موضوع بند ۲ این تصویب‌نامه متناسب با شرایط اجرایی و ملاحظات امنیتی و سیاسی کارگروهی با عضویت سازمان برنامه و بودجه کشور و از وزارتخانه‌های نفت، کشور، امور اقتصادی و دارایی و اطلاعات و شورای اطلاع‌رسانی دولت تشکیل می‌گردد. مسئول این کارگروه، در اولین جلسه کارگروه تعیین می‌شود. **تبصره:** شش‌هفته‌نامه نحوه تشکیل جلسات کارگروه و اتخاذ تصمیمات، با اجماع اعضا و توسط دستگاه مسئول کارگروه، تدوین و ابلاغ می‌گردد.

رسیدگی به موارد منعکس‌شده از جمله درخواست‌های صنفی برای اصلاحات لازم در خصوص سهمیه‌ها و نرخ برعهده کارگروه موضوع بند ۸ این تصویب‌نامه می‌باشد.

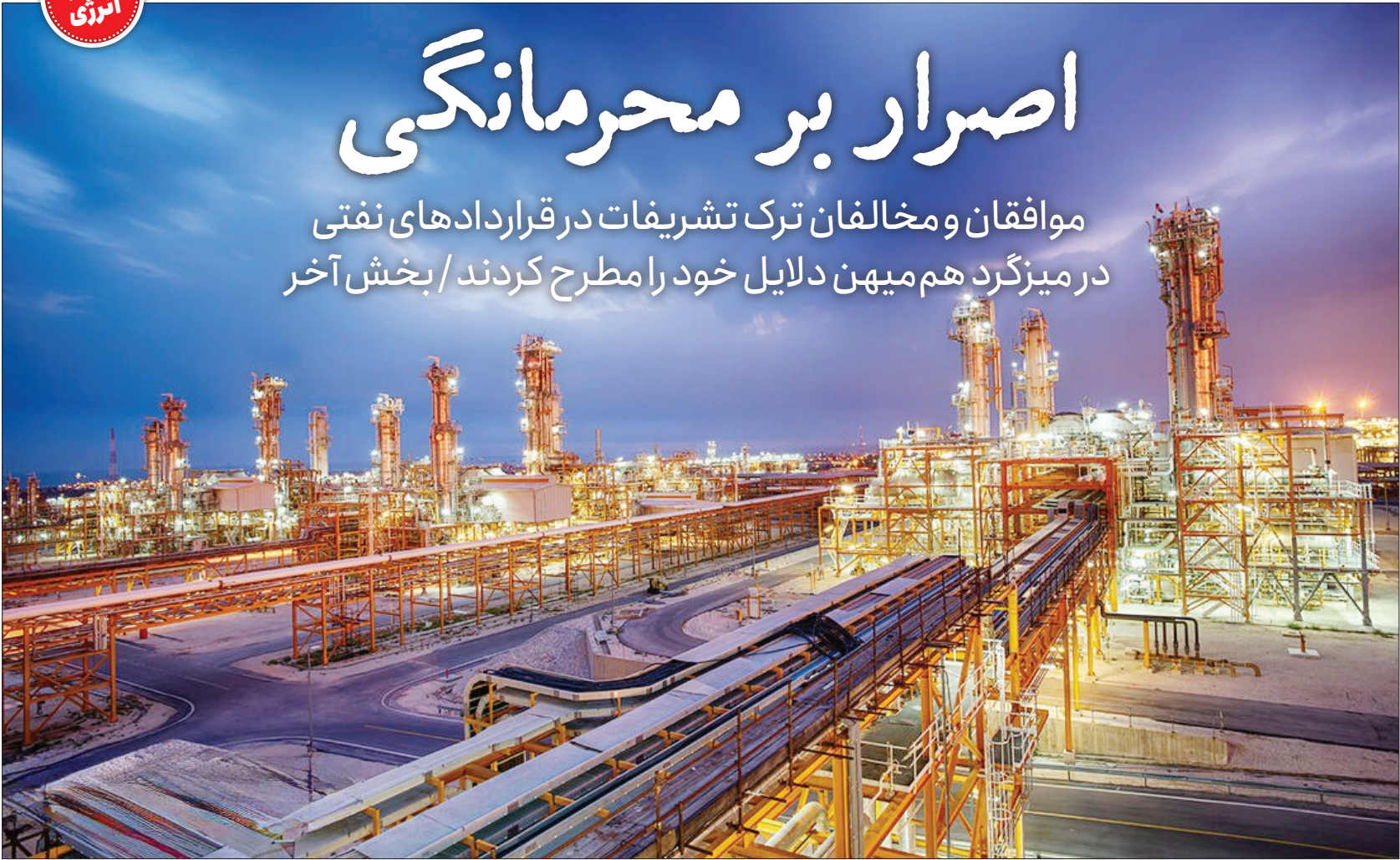
تبصره: وزارت نفت قیمت نهایی سوخت‌گیری با کارت اضطراری جایگاه (مطابق با مصوبات کارگروه موضوع این بند) را به‌صورت فصلی و بر اساس میانگین فصل قبل محاسبه و به‌شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران ابلاغ می‌نماید. شورای اطلاع‌رسانی دولت موظف است با

همکاری سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، اطلاع‌رسانی مناسب و گسترده در مورد زمان‌بندی اجرا و الزامات این تصویب‌نامه را از طریق رسانه‌های عمومی به‌عمل آورد.

اقتصاد

ECONOMY

۱۵



عکس: شانا

اصرار بر محرمانگی

موافقان و مخالفان ترک تشریفات در قراردادهای نفتی در میزگرد هم‌میهن دلایل خود را مطرح کردند / بخش آخر

درهم‌تنیده و حتی در تناقض با یکدیگر است. مسلسل‌وار قانون تولید کردن سبب شده قوانین، مبهم، ناقص، غیرشفاف و حفره‌دار باشد. این حفره‌دار بودن قانون باعث می‌شود جامعیت قانون از بین برود. یعنی منطق قانون‌نویسی به درستی رعایت نمی‌شود و موجب ناتوانی در دستیابی به اهداف تعریف‌شده یا ادعا‌شده قانون‌گذار می‌شود. به عنوان مثال قانونی که در زمستان سال ۱۴۰۲ تحت عنوان قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها تصویب شده را به‌هیچ‌وجه قانون جامع و مانعی نمی‌بینم و بسیار قانون پر مسئله و متأسفانه فسادزا و خسارت‌بار است. در پرسش‌های شما به موضوع انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر اشاره شد. در ماده ۴۴ قانون تأمین مالی گفته شده، به منظور حمایت از اشخاص حقیقی و حقوقی در طرح‌های سرمایه‌گذاری تولید و زیربنایی حوزه انرژی، وزارت نیرو مکلف است برق حاصل از نیروگاه را به قیمت برق حرارتی خریداری کند. آیا قانون‌گذار محترم نمی‌دانست که تولید گاز از نیروگاه زی‌موتان گران‌تر از برق حرارتی است؟ این چگونه حمایتی است که قیمت این دورا همسنگ‌سازی کردند؟ این نشان‌دهنده این است که بررسی لازم صورت نگرفته است. در برخی موارد حفره‌هایی در قوانین وجود دارد که اجازه سوءاستفاده‌های جدی را می‌دهد. از ماده ۴۰ به بعد همین قانون به طور مکرر، مفرها و حفره‌های قانونی زیادی می‌بینید. چه کسانی این قوانین را تصویب کرده‌اند؟ چرا اینقدر در تدوین این قوانین غفلت شده است؟ آیا پای ذنبغنان در میان بوده است؟ در ۲۰ سال اخیر شاهد فجایع بسیاری در واگذاری منابع، تعریف پروژه‌ها، اجرای پروژه‌ها، انتخاب پیمانکاران و انتخاب به اصطلاح سرمایه‌گذاران می‌بینیم. می‌گویم به اصطلاح سرمایه‌گذار چون سرمایه‌ای به پروژه‌ها نیاوردند. جز اینکه به یک منبع عمومی دست‌اندازی کردند، منابع ملت را از آن خود کردند و آن را به عنوان سرمایه‌گذاری و تأمین مالی به رخ کشیدند. ما امروز ده‌ها و چه‌بسا صدها مورد پروژه لاینفک، غیرمفید، بدون مطالعه درست زیست‌محیطی، بدون صرفه و صلاح بنگاه داریم و فقط در ذیل پروژه تعریف شده جمع خاصی از پیمانکاران و مشاوران خاص متمعن شدند. حتی بدتر از آن بر خسی تأمین‌کنندگان اقدام به تأمین کالاهای بی‌کیفیت خارجی کردند و پروژه‌ها فقط محفلی برای واردات فلان کالای خاص شده است. من از اینجا می‌خواهم به این نکته برسم که صرف‌نظر از اینکه قانون مناقصات چه بوده، فکر می‌کنم حداقل‌هایی را رعایت کرده است. بحث این نیست که قانون مناقصات حتماً باشد بلکه مسئله الزام وجود قوانینی است که حقوق همگان را رعایت کند. یعنی جامعیت و مانعیت و اصل شفافیت وجود داشته باشد. همچنین اصل صحت و حقیقت وجود داشته باشد. به عنوان مثال ساختار کار باید به‌گونه‌ای باشد که تفاوت یک سرمایه‌گذار واقعی که منابع مالی جدید به داشته‌های کشور اضافه می‌کند با کسی که بانک را خالی کرده و سپرده‌های مردم را به خودش اختصاص داده یا از صندوق توسعه ملی برداشت کرده، مشخص باشد. این چه سرمایه‌گذاری است که نام خود را شرکت اکتشاف و تولید می‌گذارد و تا دینار آخر را از صندوق توسعه ملی وام می‌گیرد و ابعاد و اندازه این شرکت در ۲۰ سال گذشته به دلیل تخلفات مکرر و انحصارطلبی‌های فراوان به‌طور قابل ملاحظه‌ای گسترش پیدا می‌کند. در ماده ۴۲ قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت، اجازه ترک تشریفات در میادین نفتی و مناقصات را به بانک‌ها و نهادهای عمومی دولتی داده‌اند. توالی این موضوعات را که نگاه می‌کنیم نشان از یک سامان جدید دارد و آن هم این است که محافلی تصمیم‌سازی می‌کند

طرفداران مستثنی شدن قراردادهای نفتی از قانون برگزاری مناقصات معتقدند در صورتی که قراردادهای نفتی طبق این قانون منعقد شود، تبعات منفی برای کشور دارد و به‌صرفه و صلاح کشور نیست. طرفداران قانون ولی معتقدند اگر هر قراردادی طبق آئین‌نامه داخلی دستگاه‌ها منعقد شود، سلیقه به واگذاری‌ها راه پیدا می‌کند و احتمال فساد سیستمی بالا می‌رود. امیر مقبسه، مدیر سرمایه‌گذاری و کسب و کار شرکت ملی نفت ایران می‌گوید: «سازوکار قانون برگزاری مناقصات، اساساً همخوان با خریدها و پروژه‌های عمومی دستگاه‌های اجرایی طراحی شده است. در خصوص معاملات تخصصی دستگاه‌ها، انتشار عمومی نیازمندی‌ها مطابق رویه‌ای که در قانون برگزاری مناقصات پیش‌بینی شده، تبعات منفی به همراه خواهد داشت که برخلاف صرفه و صلاح کشور و دولت است. یکی از این اثرات که در انجام خریدها و یا پروژه‌های عمده حادث می‌شود، برهم‌ریختگی در بازار کالا و یا خدمات تخصصی که تولیدکننده و مصارف محدود دارند، می‌شود. به‌طور مثال برای تأمین دکل‌های حفاری مورد نیاز صنعت نفت، انتشار فراخوان عمومی موجب هجوم خریداران و تأمین‌کنندگان و متقاضیان به سازندگان و مالکان دکل‌ها در خارج کشور شد و همین موضوع افزایش حدود ۴۰ درصدی قیمت ارزی دستگاه‌های حفاری را به همراه داشت. یا در خصوص کالاهای و خدمات تحریمی، انتشار جزئیات پروژه‌ها موجب شناسایی محل استفاده و مصرف آنها شده و عملاً تأمین نیاز دستگاه‌های اجرایی را ناممکن می‌کند. این موضوع در قراردادهای سرمایه‌گذاری که ریسک‌های قراردادی در بخش تأمین مالی، تجهیز و احداث و بهره‌برداری بر عهده سرمایه‌گذار قرار دارد، از اهمیت بسیار بالاتری برخوردار است.» شهرام حلاج نیشابوری کارشناس، مشاور و تسهیلگر در روش‌ها و مهارت‌های بهسازی نظام فنی و اجرایی و تدارکات عمومی (معاملات و مناقصات دولتی) در واکنش به گفته‌های مقبسه می‌گوید: ««قانون برگزاری مناقصات» اتفاقاً ماده‌ای صریح دارد که می‌گوید اگر معامله‌ای لازم است به تصویب و تشخیص هیئت وزیران برسد و دستور باشد شمای دستگاه اجرایی مجاز هستید که دستور عمل کنید. همین امروز که داریم صحبت می‌کنیم شواهد و مصادیق زیادی برای استفاده از همین روش دستور قانونی وجود دارد اما به دلیل محرمانه بودن نمی‌توانم وارد مصادیق آن شوم. این محرمانه بودن هم نه فقط به دلیل تحریم بلکه در هر موردی که قید «محرمانه بودن ضرورت دارد» آمده، قابل اجرا توسط دستگاه اجرایی است.» امیرمحمد اسلامی، عضو هیئت‌مدیره انجمن شرکت‌های پژوهشی و دانش‌بنیان نفت نیز تأکید می‌کند: «ما جنگی را از سر گذرانیم که طی آن مشخص شد سری‌ترین اطلاعات کشور لو رفته. این چگونه محرمانگی و حفاظتی است که لحظه به لحظه تردد فرماندهان ارشد کشور را می‌دانستند، بعد برای بستن یک قرارداد اقتصادی، سازمان بازرسی را از داشتن اطلاعات منع می‌کنیم؟ این چه طبقه‌بندی و حفاظتی است؟ پرسش مهم‌تر اینکه چرا این محرمانگی اطلاعات فقط به مسیر منافع اقتصادی هدایت می‌شود؟ در جایی که باید اطلاعات کشور به شدت حفاظت شود ما شاهد بی‌مبالاتی هستیم و کسی هم درباره آن پاسخی نداده است.» در بخش دوم میزگردی که در روزنامه هم‌میهن برگزار شد؛ ضرورت محرمانه بودن قراردادهای نفتی و اجماع نظر در این خصوص مورد بررسی قرار گرفت.

❗**دنیا در حال حرکت به سمت سوخت پاک است.**

شاید انگیزه‌ای که باعث شده برخی بخواهند شرایط قراردادهای نفتی را تسهیل کنند، استفاده از آخرین فرصت‌ها برای ارزآوری از سوخت‌های فسیلی باشد. به هر حال دنیا به تدریج میل به مصرف سوخت فسیلی را از دست می‌دهد و بهره‌برداری سریع‌تر از این منابع از این جهت حائز اهمیت است.

امیرمحمد اسلامی: قبل از اینکه به قانون مناقصات و تقابلی آن بپردازیم باید به عقب برگردیم و سابقه آن را ببینیم. یکی از ملزومات قانون‌نویسی، جامع بودن آن است. متأسفانه قوانین اخیر ما این ویژگی را ندارد. یعنی قوانین بسیار زیاد،



فرزانه طهرانی

دبیر گروه اقتصاد

و با تبلیغات ذهن‌ها را منحرف می‌کنند تا قوانین ناقصی تدوین شود و از قبل این قوانین بر ثروت خود بیافزایند و ساختار و شبکه ذینفعانه خود را بازتولید کنند. ما باید ابتدا عملکرد دهه‌های گذشته در حوزه تخصیص منابع، تعریف پروژه، ارجاع کار و ارجاع پروژه را پالایش کنیم. بر مبنای پایه‌ای که در ۲۰ سال گذشته گذاشته شده، حتی امروز اگر نص قانون مناقصات هم اجرا شود؛ یک رقابت نابرابر شکل خواهد گرفت چون گروه‌هایی با امتیازات فنی، سوابق کار و گردش مالی نجومی وجود دارند که این‌ها را به حق به دست نیاورده‌اند. زمانی که قانون استفاده حداکثری از توان تولید داخل تدوین می‌شد من نمانیده انشق بازگانی در کمیته تدوین این قانون بودم. ما اصرار داشتیم چند قید در قانون وجود داشته باشد. استاندارد مشابه، راندمان مشابه، کیفیت و قیمت مشابه و تضمین طول عمر بهره‌برداری برابر. نمی‌شود که به بهانه حمایت از تولید داخل در یک پروژه بزرگ، جنس بی‌کیفیت و با هزینه بالاتر استفاده شود. در این قانون باید کشورهای مختلف، کیفیت‌های مختلف و قیمت‌های مختلف را تفکیک کرد. ما پیشتر دیده‌ایم که یک شرکت داخلی کالایی را در خارج از کشور تولید کرده و با لیبل برند خارجی وارد کشور کرده است. یا کالای چینی را وارد کرده و در داخل تجدید بسته‌بندی کرده و به عنوان کالای داخلی عرضه کرده است. در نظر داشته باشیم که خود چین هم کالای کیفی و درجه یک دارد و هم کالای ضعیف و بی‌کیفیت. در قانون استفاده حداکثری از توان داخل نواقصی وجود دارد. همان زمان نیز نقطه‌نظراتی داشتیم که متأسفانه به آن توجه نشد. از جمله اینکه معتقد بودیم باید بین برندهای خارجی و کشورهای خارجی تفاوت قائل شویم. برخی مواقع نه‌تنها نباید این قانون را رعایت کنیم بلکه باید شتابان، یک تکنولوژی را وارد کنیم. وقتی یک تکنولوژی جدید را وارد می‌کنیم خود این تکنولوژی باعث بالا رفتن مهارت‌های فناوری در داخل می‌شود. اگر ما هوایم‌ای اف ۱۴ نداشتیم، آیا در زمان جنگ با صدام رژیم بعث، می‌توانستیم برتری هوایی داشته باشیم و حملات را دفع کنیم؟ آیا نیروی هوایی ما اگر با تکنولوژی حاکم بر این هوایما و موشک‌های آن، کار نکرده بود، به مهارت‌ها، زوایا و اشکالات در درگیری‌های هوایی بی‌می‌برد و می‌توانست در سال‌های اخیر، به ساخت سیستم‌های پدافندی و یا موشک‌های هوا به هوا وارد کند؟ در صنایع انرژی هم، همین واقعیت حاکم است که برای دستیابی به فناوری‌های نوین، ابتدا باید آنها را وارد کرد و با آنها به خوبی آشنا شد. نمی‌توان به بهانه حمایت از ساخت داخل، انحصار ایجاد کرد و یا اجرای پروژه‌های حیاتی را به تأخیر انداخت. وظیفه حمایت از فناوری‌های نوین که در داخل ساخته می‌شوند، در درجه اول بر عهده دولت است نه مصرف‌کننده نهایی. همچنین ذکر این نکته نیز ضروری است که سرمایه‌گذاری مستقیم از قانون استفاده حداکثری از توان تولید داخل، مستثنی است. قانون استفاده حداکثری ناظر بر این است که پروژه‌هایی که مستقیماً از بودجه دولت یا نهادهای عمومی دولتی تأمین مالی شده یا از طریق فاینانس و تعهدات دولتی، سرمایه‌تعیین شود، مشمول قانون باشد. قانون استفاده حداکثری از توان داخلی، شامل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم نمی‌شود هر چند مناسب است در این مورد نیز مشوق‌هایی در نظر گرفته شود یا سازوکارهای حمایتی برای حمایت دیده شود؛ به نحوی که سرمایه و سود و منافع مشروع سرمایه‌گذار به خطر نیفتد و یا انتقال منافع سرمایه‌گذار یا آورنده سرمایه به انحصارگران داخلی سابق و لاحق نشود. به این نکته هم توجه داشته باشید که خود قانون برگزاری مناقصات مستثنیاتی دارد.